

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٤١٧٥١

۱۳۸۸

دانشکده انسانی  
گروه علوم اجتماعی  
گرایش جامعه‌شناسی

## موسیقی و بازنمایی هویت قومی در عصر جهانی شدن

از

تافکه حسن پور

استاد راهنما:

دکتر مازیار جفرودی

استاد مشاور:

دکتر حمید عباداللهی

۱۳۸۹ / ۷ / ۲

شهریور ۱۳۸۸



۱۴۱۷۲۱

تقدیم به

انسان ترین پدر و مادرترین زن، پدربزرگ و مادربزرگ خویم

و به تمام کسانی که به کیستی خود ارج می نهند.

سپاس و قدردانی فراوان

از پدر و مادر مهربانم به خاطر سخاوتشان در مهر

از استاتید گرامیم به خاطر راهنمایی هایشان

و از مهسا به خاطر حضورش

ج ..... چکیده فارسی

ح ..... چکیده انگلیسی

۱. فصل اول (مقدمه)

۱-۱. بیان مساله ..... ۲

۱-۲. سوالات پژوهش ..... ۷

۱-۳. فرضیه پژوهش ..... ۷

۱-۴. اهمیت پژوهش ..... ۷

۱-۵. پیشینه ی تحقیق ..... ۸

۲. فصل دوم (مرور ادبیات و مفاهیم نظری)

۲-۱. در بیان مفهوم جهانی شدن ..... ۲۱

۲-۱-۱. تعریف جهانی شدن ..... ۲۱

۲-۱-۲. پیشینه تاریخی ..... ۲۳

۲-۲. مصداقها و رویکردها ..... ۲۷

۲-۲-۱. جهانی شدن اقتصاد- رویکرد مارکسیستی ..... ۲۷

۲-۲-۲. جهانی شدن سیاست- رویکرد رئالیستی، رویکرد لیبرالیستی ..... ۳۱

۲-۲-۳. جهانی شدن فرهنگ- رویکرد فرهنگ جهانی ..... ۳۷

- ۲-۳. در بیان قومیت ..... ۴۳
- ۲-۴. قومیت وره‌یافته‌های چهارگانه ..... ۴۷
- ۲-۵. مفاهیم نظری ..... ۵۰
- ۲-۶. مدرنیته به مثابه تحول روابط اجتماعی (بررسی آزاد آنتونی گیدنز) ..... ۵۰
- ۲-۷. دیالکتیک خاص و عام (بررسی نظریه رابرتسون) ..... ۵۷
۳. فصل سوم (روش شناسی)
- ۳-۱. روش تحقیق ..... ۶۲
- ۳-۲. شیوه گردآوری اطلاعات ..... ۶۳
- ۳-۳. مشخصات جمعیت مورد مطالعه ..... ۶۴
۴. فصل چهارم (تجزیه و تحلیل داده‌ها)
- ۴-۱. تجزیه و تحلیل داده‌ها ..... ۶۶
- ۴-۱-۱. گروه عام گرا ..... ۶۷
- ۴-۱-۲. گروه خاص گرا ..... ۷۷
۵. فصل پنجم (جمع بندی و نتیجه گیری)
- ۵-۱. جمع بندی ..... ۸۹

(عنوان): موسیقی و بازنمایی هویت قومی در عصر جهانی شدن

(نام دانشجو): تافگه حسن پور

جهانی شدن فرایند پیچیده ایست که یکی از شاخصهای دهه های پایانی قرن بیستم و مهمترین چالش قرن بیست و یکم به شمار می آید. ابعاد و دامنه های این پدیده آنقدر وسیع و گسترده است که تمام شئون بشری را در عرصه های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی تحت تأثیر قرار داده است. این پژوهش تلاش دارد تا ضمن بیان تاریخچه ی جهانی شدن و مفهوم سازی آن، با بررسی بینش و نگرش دانشجویان کرد نسبت به موسیقی، به تحلیل نسبت جهانی شدن با پدیده قومیت بپردازد. مطابق این پژوهش جهانی شدن، با فرو ریزی مرزهای مکانی، زمانی سیاسی و جغرافیایی اسباب دسترسی انسانها را به منابع متعدد معنا فراهم سازد و زمینه ی عرض اندام صداهای مختلف از جمله صداهای حاشیه ای را فراهم می کند و از این رو منجر به باز اندیشی در هویت های قومی و بازسازی آنها خواهد شد.

کلید واژه ها: جهانی شدن، مدرنیته، فرهنگ، فرهنگ جهانی، هویت، قومیت.

## Extract

**(Title): Music and Representation of Ethnic Identity in Era of Globalization**

**(Author) : Tavgeh Hasan pour**

Globalization is a complicated process that comes of one the attributes of find decades of twentieth century and the most important challenge of twenty first century. The dimensions and domains of this phenomenon are so wide and extensive that all the human status are under the influence of different Economic, Political, Cultural fields. This research is trying to express the history of Globalization and its conceptualization while it is trying to analysis the relation of globalization with ethnicity phenomenon by reviewing Kurdish students' vision and attitude through Kurdish music. According to this research globalization provides multiple sources for men by the collapsing of place, time and political and geographical boundaries and it provides the basis of showing various sounds, including marginal sounds. Therefore it leads to rethinking in ethnic identity and their reconstruction.

Key words: Globalization, Modernity, Culture, Global culture, Identity, Ethnicity.



# فصل اول

مقدمه

## ۱-۱. بیان مسئله:

دهه های پایانی سده بیستم و سال های آغازین سده بیست و یکم با بحث های داغ و پرتنش پیرامون چیستی فرآیند هایی همراه بوده که جهان کنونی را به سوی تحولات و تغییراتی برده که تاکنون جامعه بشری نظیر آن را تجربه نکرده است، تجربه ای که تعبیر رویای دهکده جهانی مک لوهان را با خود به همراه داشته است.

رشد و پیشرفت فناوری های ارتباطی، توسعه چشمگیر فعالیت و پوشش رسانه های جمعی، گسترش مبادلات سیاسی و اقتصادی و افزایش قدرت و حضور نهادهای فرا ملی، شرایطی را پدید آورده است که انسان قرن بیست و یکم خود را در جهان زیستی، متفاوت با همنوعان پیشین خویش پیدا کرده است. در این شرایط جدید، اهمیت قاطع مرزهای ملی کاهش یافته، ارتباطات فرهنگی و اقتصادی تسهیل شده و نقش جغرافیا و مرزبندی های میان افراد و جوامع که هویت های متمایزی برای آنها رقم می زدند، می رود تا معنای وجودی خود را به شکلی فزاینده از دست دهد.

در این میان شاید رایج ترین موضوع قابل توجه در عرصه بین المللی در دوران اخیر، اصطلاح جهانی شدن<sup>۱</sup> باشد که در تلاش، برای توصیف و تبیین جهان معاصر شکل گرفته است. نظریه پردازان و دانشمندان رشته های مختلف علوم انسانی و اجتماعی در طول چند دهه گذشته کوشیده اند تا شرایط زندگی و عوامل موثر بر تفکر و عمل افراد، گروه ها، سازمان ها، جوامع، حکومت و در نهایت کل جامعه جهانی، را در قالب نظریه های توصیفی و تبیینی جهانی شدن قابل درک و فهم سازند. اگرچه اصطلاح رایج جهانی شدن با توسعه جهانی بازارهای اقتصادی همراه بوده است و علت آن نیز گسترش فعالیت های اقتصادی در اشکالی مختلف، نظیر شرکت های چند ملیتی و نقش محوری آن ها در فرآیند مذکور می باشد، اما از اواخر سال ۱۹۶۰ فرآیند جهانی شدن در عرصه های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی متجلی شده که به دلیل سرشت

پیچیده، متکثر، متفاوت، پراکنده و حتی متضاد گردش پدیده های فرهنگی در سطح جهان به نظر می رسد که روز به روز بر اهمیت مسائل و موضوعات فرهنگی جهان افزوده می شود به عبارتی جهانی شدن در ذات فرهنگ مدرن نهفته است و راه و رسم های فرهنگی در ذات جهانی شدن. البته این بدان معنا نیست که سیاست و اقتصاد جهانی شدن از شرحی فرهنگی تبعیت می کند، اما واقعیت آنست که فرآیندهای دگرگون ساز عظیم دوران ما را که جهانی شدن، توصیف می شوند، نمی توان فهمید مگر آنکه آنها را با واژگان مفهومی فرهنگ در یابیم. (تامپلسون: ۱۳۸۱، ۷۰)

بی شک عواملی چون بیداری و خیزش انواع هویت های قومی، نژادی، مذهبی، جنسی، زبانی و زیست-محیطی از دهه های ۱۹۷۰ ظهور هویت های متقاطع و شناور نظیر فرهنگ دیاسپورا<sup>۱</sup>، رواج ایدئولوژی های مصرف در جوامع مختلف، افزایش تقاضاهای فرا ملی شهروندان، گسترش موج دموکراسی خواهی در میان جوامع جهان سوم، افزایش مهاجرت های برون مرزی از جوامع توسعه نیافته یا در حال توسعه به جوامع توسعه یافته، نمونه های دیگر از جمله پدیده ها و تحولاتی هستند که ضرورت توجه به رابطه جهانی شدن با مسائل فرهنگی را ایجاد می نماید. بر این اساس برخی نظریه پردازان و فرهنگ پژوهان یکی از ویژگی های اصلی جامعه معاصر را نقش و اهمیت چشمگیر فرهنگ می دانند، مثلاً در نظریه برخورد تمدن ها و نظریه های مشابه از نقش محوری فرهنگ سخن به میان آمده است؛ پست مدرنیست ها نیز مهم ترین وجه زندگی اجتماعی در عصر پست مدرن را وجه فرهنگی آن می دانند (دبلی، ۱۹۹۹: ۲۳)

از بعد فرهنگی، جهانی شدن بیشتر ناظر بر فشردگی فزاینده جهان در دو بعد زمان و مکان و وابستگی و در هم تنیدگی بخش های مختلف آن می باشد. که با وسیع تر شدن گستره تاثیرگذاری و تاثیر پذیری کنشگران به شکل گیری "فرهنگی جهانی"<sup>۲</sup> می انجامد که در آن فرهنگ ها به رغم محصور بودن به گونه ای تاریخی در جریان عظیم از وام گیری، تبادل و ابداع های فرهنگی قرار می گیرند. بدین ترتیب تجربه رایج زندگی روزمره در دنیای مدرن به شکل تجربه رسوخ رویدادها، رابطه ها و فرایندهای دور دست، در زیست-جهان های محلی تعریف می شود. از این رو جهانی شدن، هویت و معنا را با چالش هایی چون پیدایش هویت های جدید، احیاء هویت های قدیم و دگرگون شدن هویت های موجود مواجه می سازد و همواره مجامع علمی را با پرسش های مختلف روبرو می کند. از جمله مسائلی که پیش روی اندیشمندان علوم انسانی قرار می گیرند، پرسش هایی از این گونه اند که:

---

1. (Dispora) مهاجران پراکنده اتباع یک گروه قومی یا مذهبی که در سراسر جهان، میهمان فرهنگ های میزبان گردیده اند.

- آیا کم‌رنگ شدن مرزهای میان جوامع و شکل‌گیری فرهنگی جهان شمول به معنای شکل‌گیری هویت‌های عام و جهانگیر است؟ در این صورت سرنوشت هویت‌های محلی و خاص چه می‌شود؟

- آیا جهان در کنار شکل‌گیری هویت‌های عام و فراگیر شاهد ذوب هویت‌های محلی و خاص می‌باشد؟

- آیا تبلور یک مای جهانی در تقابل با (ماهای) محلی قرار می‌گیرد؟

- آیا فشردگی جهانی و فضای اجتماعی-فرهنگی حاصل از آن بستر تبادل فرهنگی است یا گستره‌ای برای سلطه و تهاجم فرهنگی؟

.....

از جمله مهم‌ترین مباحثی که در چالش با مقوله جهانی شدن دغدغه‌هایی را آفریده است، مسئله امکان حیات هویت‌های قومی<sup>۱</sup> (به عنوان هویتی محلی) می‌باشد. پر واضح است که مساله قومیت و رابطه آن با جهانی شدن در بسیاری از پژوهش‌های انجام شده، مورد مدافه قرار گرفته است که همواره در میانه طیفی از مخالفان و موافقان رشد قوم‌گرایی قرار داشته. گروهی از اندیشمندان مانند مانوئل کاستلز<sup>۲</sup> و فریدمن<sup>۳</sup> بر آنند که هویت‌های قومی در فرآیند جهانی شدن رشد می‌کنند و ما شاهد وقوع جریان‌های هویت‌یابی قومی جدید یا به تعبیری قومیت‌نویس می‌باشیم که به رشد دولت-ملت‌های جدید در عرصه جهانی و تشدید کشمکش‌های قومی منجر می‌شود؛ و گروهی مانند ایمانوئل والرشتاین<sup>۴</sup> و مایک فدرستون<sup>۵</sup>، از ادغام هویت‌های قومی در هویت‌های عام و جهان شمول سخن می‌گویند، یا بر آن هستند که تفاوت‌های محلی بیشتر به شکل هویت‌یابی ملی، در برابر جهانی شدن رخ می‌نمایند، که در هر صورت این ایده مشتمل بر هضم هویت قومی در فرهنگ جهانی یا فرهنگ ملی خواهد بود. به طور کلی هویت‌های قومی در دوره مدرن از دو جنبه (ملی<sup>۱</sup>) و (جهانی<sup>۷</sup>) تحت نفوذ توانمند فرهنگ‌ها و هویت

---

1. Ethnic identity

2. Castells

3. Fridman

4. Walelerstein

5. Featherstone

6. Nation

7. The global

های (غیر خودی) قرار گرفته اند، به همین جهت هویت های قومی همواره در تلاش برای تداوم و حفظ موجودیت خود، موضوع و هدف چک و چانه زدن بوده اند. به همین جهت تلاش قومیت ها برای ابراز وجود و استمرار موجودیت خود در مولفه های مختلف فرهنگی نمود یافته است و به تبع آن در شکل گیری قریحه ها و تمایلات مخاطبان، تاثیر به سزایی داشته است.

در این پژوهش سعی بر آنست تا موسیقی کردی به عنوان منبعی برای برپایی هویت قومی مورد بررسی قرار گیرد. موسیقی که گاه آنرا (علم صداها) یا (هنر صداها) می نامند؛ بوسیله تصاویر صوتی که از دنیای خارج می آفریند، نوعی آگاهی از خویشاوندی را در میان گروهی از شنوندگان پدید می آورد بی آنکه مانعی فرا راهش خود نمایی کند (درویشی: ۳۷، ۱۳۷۹). هر جامعه، موسیقی خاصی برای خود دارد. که از انواع آوازه ها، رقص ها، ملودی ها و جمله های موسیقایی ترکیب شده است که حالت های گوناگون از زندگی فردی و جمعی افراد انسانی را آواز می خواند. کارکرد اصلی موسیقی، توانایی آن در بیان آسان حس جمعی هویت فرهنگی نهفته است. در هر متن موسیقایی، طیفی از مصداق های فرهنگی درج می شود که از طریق عمل نواختن، رقصیدن و خواندن بی درنگ زنده می شوند. مشارکت در این به اجرا گذاشتن موسیقایی هویت های فرهنگی و جمعی، نقش بسیار مهمی دارد. رویدادهای موسیقایی، از رقص های جمعی گرفته، تا گذاشتن یک نوار یا سی دی در یک دستگاه پخش موجب برانگیختن و بیدار کردن و سر و سامان دادن به خاطره های جمعی می شود و تجربه های مربوط به مکان را آکنده از چنان شدت، قدرت، سادگی و وضوحی می کند که هیچ فعالیت اجتماعی دیگری قادر به آن نیست. (استاکس: ۱۹۹۴، ۳). بر همین اساس اندیشمندانی نظیر تیادی نورا، استدلال می کنند که افراد موسیقی را به عنوان بخشی از منابع فرهنگی لازم برای جریان دائم ساختن (خود)<sup>۱</sup> به کار می گیرند. به نظر او عمل کاملاً شخصی گوش دادن به موسیقی، بخشی از ساختن ذهنیت فردی است، عملی که خود را به شیوه ای زیبایی شناختی و بازتابی، حفظ و بازسازی می کند، در این معنا موسیقی تجربه ای را دائماً می سازد، یا تجربه ای را بازسازی می کند، ممکن است درباره کیفیت خاص یک تجربه سخنی بگوید یا لحن یک تجربه را تعیین کند، حتی ممکن است شکل و رنگ یک تجربه اجتماعی را تعیین کند یا تغییر دهد و به این ترتیب ابزاری کارآمد برای برپایی عاملیت و هویت اجتماعی به شمار می آید (دی نورا: ۲۰۰۰، ۱۹).

زیباشناسان و فیلسوفان هنر کوشیده اند هنر را از زوایای سه گانه هنر، هنرمند و مخاطب بنگرند (رامین: ۱۳۸۷، ۲) که محقق در این پژوهش بر آن است تا تحولات هویت قومی و توانایی موسیقی کردی در برپایی این هویت را از دیدگاه مخاطبان کرد

مورد واکاوی قرار دهد. اهل فن، کردستان را سرزمین ملودی ها نام گذارده اند و این نشان از اهمیت و جایگاه موسیقی در میان مردم کرد دارد. موسیقی کردی در زمره کهنترین و غنی ترین موسیقی های حوزه خاورمیانه و جزو مجموعه عظیم موسیقی کهن ایرانی به شمار می آید که از ریشه های تاریخی بسیار کهنی مایه می گیرد. وجود نغمه های کهن تنبوری، سرنایی و شیوه های اجرای موسیقی آوازی دوران باستان، نظیر «هوره»<sup>۱</sup> و «بالوره»<sup>۲</sup> و شباهت هایی که با سرود گاتاهاى اوستا دارد و نیز آثار برجای مانده از نقوش باستانی طاق بستان، در کرمانشاه چنین استنباط می شود که موسیقی کردی از ریشه های هزار ساله برخوردار می باشد. موسیقی کردی از دیر باز تا کنون از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده است و زندگی فردی و جمعی فرد کرد را از ابتدای تولد، با لالایی های مادرانه تا هنگام مرگ، با چه می ری<sup>۳</sup> های سوگواری همراهی کرده است. در موسیقی کردی انواع ترانه ها وجود دارند که در خدمت مناسک و مراسم عام از قبیل مراسم مذهبی، جشن های شای و نغمه هایی که ریشه در اعتقادات و باورهای خاص مردم کرد دارد؛ وجود دارند. این موسیقی در گذر زمان در هنگام حوادثی مانند جنگ و یا قیام های قومی همواره به عنوان عنصری وحدت آفرین با ایجاد ترانه ها و سرودهای حماسی و ملی در تمرکز احساسات مردمی و قومی ایفای نقش کرده است. از این رو موسیقی کردی به عنوان مولفه ای فرهنگی که مجموعه ای از معناها را در گذر زمان در خود انباشته دارد؛ در بر ساخت و برپایی هویت کردی اهمیت قابل توجهی می تواند داشته باشد.

دلیل تاکید بر موسیقی به علت خاصیت نمادین آن به مثابه عنصری فرهنگی است؛ زیرا نمادها را هر جا و هر زمان می توان تولید کرد و تولید و بازتولید آنها از لحاظ منابع، محدودیت های نسبتاً اندکی دارد. افزون بر این نمادها به آسانی قابل انتقال

---

۱. هوره (Hora) : از کهنترین آوازاها در موسیقی کردی میباشد. در گذشته این آواز منحصر به اهورا مزدا (خدای زرتشتیان) بوده و سرودی به جا مانده از سرودهای دینی گاتا می باشد. این واژه برگرفته از اهوره یا اهورا است. امروزه انواعی از هوره در مناطق مختلف کردستان بویژه اورامان (هه و رامان) رایج است که می توان به هوره ی ویژه اشعار عرفانی یا هوره ی ویژه ی لالایی اشاره نمود. سیاه چمانه ( Siaw chamana ) از انواع دیگر هوره است که خود مشتمل بر آوازه های متنوع می باشد. اشعار سیاه چمانه به شکل هجایی و در قالب های ده هجایی دو مصرعی به سبک سیاق ایرانیان کهن سروده می شود. (صفی زاده ، ۱۳۷۵ : ۱۳۵)

۲. بالوره (Balora) : شیوه ای از خواندن که به ایجاد فشار پنجه و انگشت بر سطح حنجره خواننده می شود ، چنین شیوه ای از خوانندگی باستانی در حجاری های تخت جمشید و نقش رستم در دوران هخامنشیان به تصویر در آمده است نام دیگر بالوره در زبان کردی بیت ( Bayte ) می باشد و عبارتست از داستانهای حماسی عاشقانه و عرفانی که به شیوه نظم و نثر ساخته می شود. در شیوه ی منظوم آن اشعار به شکل هجایی است. از انواع بیت می توان به حیران ( Hayran ) ، لاوک ( Lavuk ) و لاوژ ( Lavuzh ) اشاره کرد.

۳. چه می ری (chamary) : نوعی آواز سوگواری

هستند. مهم تر اینکه چون آنها اغلب می کوشند به ویژگی های بنیادی و ماهوی انسان متوسل شوند بنابراین می توانند مدعی اعتبار و اهمیت کلی و جهانی شوند (واترز: ۱۹۹۶، ۷۵)

از این رو در پژوهش حاضر نگارنده تلاش می کند با تحلیل نگرش دانشجویان کرد راجع به ارتباط هویت کردی آنها با موسیقی کردی، به درک و دریافتی واضح از روند جهانی شدن و تاثیر آن بر هویت قومی بپردازد. زیرا به قول رابرت کوک در دنیای امروز تصمیم گیری درباره اینکه کدام موسیقی را گوش می دهید بخشی از تصمیم گیری درباره اعلام کردن این موضع به دیگران است که شما نه تنها می خواهید چه کسی باشید، بلکه شما چه کسی هستید. (درویشی: ۱۳۸۰، ۱۱۵، به نقل از کوک)

## ۱-۲. سوالات پژوهش:

با توجه به آنچه گفته شد این پژوهش در پی پاسخگویی به سوالات زیر انجام می شود:

۱- در عصر تبادل اجتناب ناپذیر فرهنگ ها و در عین حال تراز نابرابر مبادله فرهنگی، هویت های قومی مانند (هویت

کردی) توانایی حفظ موجودیت از یک سو و ابراز وجود از سوی دیگر را خواهند داشت؟

۲- آیا هویت کردی می تواند خود را از طریق عناصر نمادین فرهنگ مانند موسیقی ابراز کند و به موجودیت خود استمرار

بخشد؟

۳- آیا موسیقی کردی می تواند در سامان دادن به بحران هویت افراد کرد، منبع قابل توجهی باشد؟

## ۱-۳. فرضیه پژوهش:

«هویت های قومی مانند هویت کردی، در جریان جهانی شدن دگرگون می شوند اما این دگرگونی الزاماً به هضم این هویت ها

نمی انجامد، بلکه هویت های قومی مانند (هویت کردی) در جریانی از تعامل با سایر هویت ها منابع متعددی به از هویت و معنا

دست می یابند. در نتیجه به باز آفرینی خود و بازاندیشی در شرایط این باز آفرینی می پردازند.»

## ۱-۴. اهمیت پژوهش :

جهانی شدن فرایند اجتناب ناپذیری است که باید از جهات مختلف مدیریت شود تا به جای هراس از بحران، بتوان به بهره

بررداری صحیح از منابع مختلف و امکانات متنوع هویت سازی پرداخت. مدیریت این منابع با تکیه بر آگاهی های قومی، ملی و جهانی امکان پذیر است. پژوهش هایی از این دست ابزاری خواهد شد در جهت خلق، یا به عبارتی بهتر مهار (آگاهی)، تا ضمن حفظ معیارهای هویت بومی به باز اندیشی در این هویت ها و مانایی آنها در شرایط پر شتاب کنونی یاری رساند.

## ۱-۵. پیشینه ی تحقیق :

گستره ی پیشینه ای که با موضوع هویت و جهانی شدن مرتبط باشد گستره ی پیچیده ای است. بویژه که جهانی شدن و تأثیرات آن بر هویت، بخشی از دغدغه های جوامع علمی را در چند دهه اخیر تشکیل می دهد. پژوهش حاضر در پی بررسی ارتباط جهانی شدن با هویت قومی می باشد. از آنجایی که بررسی پدیده قومیت در دنیای امروز، در ارتباط با دولت ملی قرار می گیرد به همین جهت در بخش پیشینه تحقیق به بررسی پژوهش هایی در موضوعات هویت قومی و دولت ملی و هویت قومی و جهانی شدن پرداخته می شود.

- پژوهشهای انجام شده با موضوع هویت قومی :

- علی اکبر مهدی (۱۹۹۸) در مقاله ای تحت عنوان «هویت قومی در میان ایرانیان نسل دوم در ایالت متحده» به بررسی مسئله هویت قومی پرداخته است. او برای انجام این پژوهش از روش پیمایش با استفاده از پرسشنامه در سطح ۴۴ ایالت آمریکا در سال ۱۹۹۷ استفاده کرده است. جامعه ی آماری او را جوانان ایرانی بین ۱۱ تا ۳۵ سال تشکیل می داده که یا متولد آمریکا بوده اند و یا در خردسالی به آنجا مهاجرت کرده اند. شاخصهای مورد نظر او در این بخش شاخصهایی نظیر میزان استفاده از زبان فارسی، نسبت دادن خود به فرهنگ ایرانی، وابستگی های قومی و عمل به فرایض دینی بوده است.

او در این مطالعه دریافته است که با اینکه اغلب این جوانان تمایل شدید به حفظ میراث فرهنگی از خود نشان می دهند ولی در عین حال مقاومت معناداری نسبت به نیروهای همانند ساز جامعه آمریکا نشان نمی دهند. آنها همگی در یک حوزه ی جغرافیای مشترک زندگی نمی کنند و در آن کشور پراکنده هستند. لذا به نظر می رسد که تعاملات اجتماعی آنها باهم رو به کاهش است و در واقع این مسئله مفهوم هویت قومی را نزد آنان کمرنگ می کند. بیش از ۶۰ درصد آنها با اینکه توانایی

فارسی صحبت کردن را دارند ولی به زبان فارسی نه صحبت می کنند و نه می نویسند. (چگینی: ۱۳۸۶، ۳۲)



- در زمینه قومیت و تحولات قومی در ایران، دکتر مجتبی مقصدی در سال ۱۳۸۰ کتابی با عنوان «تحولات قومی در ایران، علل و زمینه ها» نوشته است در این کتاب نویسنده منازعات و بحرانهای قومی را از ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، روان شناختی و تاریخی مورد بررسی قرار داده است. محقق پس از طرح مقدمه و دیدگاه های خود تلاش نموده است بحران ها و منازعات قومی در یکصد سال اخیر کشور را در سه دوره ی پس از انقلاب مشروطه، اواسط دهه ۱۳۲۰ خورشیدی و نیز سالهای نخستین پیروزی انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار دهد. انتخاب این سه مقطع به واسطه شاخصهایی از جمله شدت دامنه بحرانهای قومی در این سه دوره، حلول زمان مناقشات نوع و میزان درخواستها و حجم تلفات و خسارات وارده به طرفین منازعه بوده است. مطالعه زمینه های بروز بحران های قومی در چارچوب آسیب شناسی ملی، نگرش همه جانبه و فراگیر به مسئله بحرانهای قومی و ارائه ی راهکارهای کاربردی برای کنترل آنها از مهمترین اهدافی است که نویسنده برای تألیف کتاب خود بر شمرده است. مهمترین مسأله ای که نویسنده به دنبال یافتن پاسخ آن است، این پرسش می باشد که علل و زمینه های بروز بحرانهای قومی در ایران معاصر چیست؟ در کنار این سوال اصلی، سوالهای ثانویه دیگری مطرح شده است که به یک معنا می تواند به عنوان فرضیه های این پژوهش محسوب شوند برخی از سوالهای فرعی عبارتند از:

۱. رابطه میان خشونت های قومی و قدرت دولت مرکزی

۲. تأثیرات فشار قدرت بر مناسبات و ستیزهای قومی

۳. تأثیر فرآیند کثرت گرایی قومی و استقرار حکومت های مردم سالار بر طرح تقاضاهای هویتی از جانب اقوام

۴. نقش عوامل خارجی در بروز مناقشات

۵. نقش نخبگان قومی در بروز کشمکش های قومی

۶. تأثیر توسعه، دوران گذار و گسترش ارتباطات برکنش های قومی محقق تلاش نموده است تا موضوع یا متغیر وابسته خود،

یعنی (بحرانهای قومی) در ایران را با نگاهی بین رشته ای و چندعاملی بررسی و تحلیل نماید.

متغیرها و رهیافتهای نظری مورد استفاده برای تحلیل بحرانهای قومی را به شرح ذیل می توان دسته بندی و خلاصه نمود:

الف) متغیر وابسته (Y): بحرانهای قومی

ب) متغیرهای مستقل (X): مبتنی بر پنج رهیافت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روان شناختی می باشد که

نویسنده تأکید خود را بر روی بررسی هشت متغیر و زمینه که در بروز بحرانهای قومی در تاریخ معاصر ایران نقش محوری

داشته اند، متمرکز ساخته است این هشت متغیر عبارتند از:

۱. دوران گذار در عرصه ی داخلی و ساختار نظام بین الملل

۲. کاهش قدرت حکومت مرکزی

۳. نقش ابرقدرتها

۴. گزینش عقلانی

۵. نقش نخبگان اقوام

۶. احساس محدودیت سنی

۷. ساختار نابرابر اجتماعی

۸. موقعیت مناسب جغرافیایی

از جمله بحرانهای قومی در ایران که به بررسی آنها پرداخته شده :

۱) قیام خیابانی و غائله خزعل پس از انقلاب مشروطه

۲) بحران آذربایجان ، بحران کردستان در دهه ۱۳۲۰ ، درگیری های ترکمن صحرا ، نا آرامی های آذربایجان ، مناقشات بلوچستان ، تنشهای خوزستان در دوره پس از انقلاب اسلامی می باشد.

بر اساس یافته های تحقیق ، از مجموعه چالشهای نه گانه مورد بررسی با در نظر گرفتن شاخصهای هفت گانه تعریف بحران قومی (شامل : میزان شرکت گروه های قومی ، طرح درخواستهای هویتی و منطقه ای ، موقعیت حساس جغرافیایی بویژه استقرار بحران در حاشیه مرزهای کشور ، رهبری و هدایت تحرکات قومی توسط نخبگان اقوام ، حساس بودن مقطع زمانی بروز بحران ، بازیگران فدامرزی ، توانایی های سیاسی و نظامی گروه قومی و حجم و تعداد زیاد نیروهای درگیر) نتایج زیر حاصل شد :

۱. غائله خزعل ویژگیهای یک بحران تمام عیار را در خود دارد و با تأملاتی می توان آن را بحران قومی بر شمرد.

۲. قیام خیابانی ، ابعاد کاملی از بحران را در خود نداشته و بحران قومی تمام عیار است.

۳. بحران آذربایجان به رهبری پیشه وری، ویژگیهای بحران قومی را به صورت کامل در بطن خود دارد.

۴. بحران کردستان (جمهوری خودمختار مهاباد) نیز بحران قومی به حساب آمده و تمام ویژگی های بحران را در مورد خود

دارد. کشمکشهای بعد از انقلاب در کردستان نیز به علت بهره گیری کامل از شاخصهای عملیاتی واجد ویژگیهای بحران قومی

محسوب می شود.

درگیریهای ترکمن صحرا، نا آرامی های آذربایجان در آذرماه ۱۳۵۸ توسط حزب خلق مسلمانان، تنشهای بلوچستان و خوزستان فاقد ویژگی های بحران قومی بوده و در قالب آشوبهای شهری و درگیریهای محلی قابل ارزیابی هستند.

- پژوهشهای انجام شده با موضوع هویت قومی و دولت ملی:

از آنجایی که قومیت همواره کانونی برای چالش با دولت ملی بوده، موضوعات مربوط به رابطه این دو مقوله از اهمیتی خاص برای تحقیقات در حوزه جامعه شناسی، علوم سیاسی به شمار می آید. دو نمونه از تحقیقات انجام شده در سالهای اخیر به شرح ذیل می باشند. (مقصودی: ۱۳۸۲)

- سید مجتبی تقوی نسب (۱۳۸۵) پژوهشی در این زمینه تحت عنوان «بررسی عوامل داخلی موثر بر هویت قومی و هویت ملی در میان اعراب شهرستان اهواز» انجام داده است. این پژوهش با استفاده از روش کمی و به صورت پیمایش صورت گرفته است. نمونه ی پژوهش ۳۸۴ نفر از اعراب زن و مرد بین سن ۱۸ تا ۶۵ سال ساکن در شهرستان اهواز بودند. برای دقت عمل بیشتر، یک پرسشنامه ی پیش آزمون بین ۵۲ نفر از اهالی عرب شهرستان اهواز اجرا گردید و در نهایت پرسشنامه ی نهایی در پاییز و زمستان ۱۳۸۵ در بین نمونه ی آماری تکمیل شد. چارچوب نظری این تحقیق بر پایه ی نظریه های نوسازی، استعمار داخلی و محرومیت نسبی می باشد. در این تحقیق، تاثیر متغیرهای سن، جنس، وضعیت تاهل، شغل، درآمد خانواده، میزان مالکیت خانواده، احساس محرومیت نسبی در بعد اقتصادی، سابقه ی شهرنشینی، منطقه مسکونی (عرب نشین و مختلط)، میزان اعتماد به قوم، پایبندی به هنجارهای قومی، تحصیلات، استفاده از وسایل ارتباط جمعی، رضایت از نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت در امور سیاسی و احساس محرومیت نسبی در بعد سیاسی بر متغیر هویت قومی سنجیده شدند و در آخر رابطه ی بین متغیر هویت قومی و هویت ملی در نمونه ی آماری آزمون شد.

نتایج تحلیل دو متغیره ی داده ها (آزمون تی، تحلیل واریانس و رگرسیون ساده) نشان از معنادار بودن رابطه ی بین متغیرهای فوق، (بغیر از جنس، وضعیت تاهل و سابقه ی شهرنشینی) با هویت قومی داشت و رابطه ی هویت قومی و هویت ملی در جهت منفی آن تایید شده. به عبارت دیگر، با افزایش هویت قومی، هویت ملی کاهش یافته است که این نتیجه حاکی از اوضاع «بحرانی» هویت ملی، در مقطع کنونی، در میان اعراب شهرستان اهواز است.

نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان می دهد که ۱۱ متغیر از ۱۶ متغیر مستقل موثر بر هویت قومی وارد معادله شدند که در نهایت ۶۷ درصد از واریانس متغیر هویت قومی را تبیین کردند. پایبندی به هنجارهای قومی، مشارکت در امور سیاسی

واحساس محرومیت نسبی در بعد اقتصادی سه متغیری بودند که در مرحله ی یک تا سه وارد معادله ی رگرسیون شدند.  
(تقوی نسب: ۱۳۸۵)

- حبیب احمدلو، عماد افروغ (۱۳۷۵) پژوهشی با عنوان «رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز» انجام داده است که مضمون اصلی این پژوهش تمایز یافتگی یا تفاوت های درون جامعه و ارتباط آن با وفاق اجتماعی می باشد وهدف اصلی آن بررسی تجربه رابطه هویت ملی و قومی در بین جوانان تبریز است. این پژوهش سعی دارد این دو هویت را نه در تقابل با هم بلکه در کنار هم مطرح کرده. در بین جوانان تبریز مورد آزمون قرار دهد. سوالاتی که پژوهشگر در این مورد مطرح می کند به قرار زیر می باشد:

۱- میزان گرایش به هویت قومی در بین جوانان ترک چقدر است؟

۲- میزان گرایش به هویت ملی در بین جوانان ترک چقدر است؟

۳- آیا بین میزان هویت قومی و میزان هویت ملی جوانان رابطه ای وجود دارد؟

محقق در پی پاسخ به سوالات فوق در چارچوب نظریه «هویت اجتماعی» مربوط به ترنر، حسلام ودر کیوتین بحث می کند که خود از دو نظریه مرتبط با هم ولی متفاوت ترکیب می یابد (نظریه هویت اجتماعی و نظریه خود مقوله بندی)، محقق پس از بیان چارچوب نظری به واکاوی مولفه های هویت ملی و هویت قومی می پردازد از جمله مولفه های هویت را چنین دسته بندی می کند:

- هم کشوری به مثابه عامل همگرایی و وحدت سرزمین

- هم زمانی

- هم دولتی

- هم زبانی

- هم آیینی

- پول واحد عامل وحدت اقتصادی-فرهنگی

- وحدت مقیاس های اندازه گیری

- شناسنامه واحد شهروندان

- پرچم و سرود ملی